

جایگاه دمستانی و قصیده‌ی «ملحمة الطف» در شعر عاشورا*

دکتر سید فضل الله میرقادری**

مهناز دهقان***

چکیده

بیشتر اشعار حسن بن محمد دمستانی، درباره اهل بیت علیهم‌السلام به ویژه امام حسین (ع) است. دمستانی درباره ایشان و واقعه‌ی کربلا قصاید متعددی سروده اما مشهورترین اثر منظوم وی در این زمینه قصیده‌ی «ملحمة الطف» یا قصیده‌ی «المربعه» است.

در این مقاله، نخست جایگاه دمستانی در میان شاعران مرثیه سرا و موقعیت قصیده «ملحمة الطف» در شعر عاشورا تبیین شده و سپس محتوای ارزشی و اغراض و درون‌مایه‌های این قصیده مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج حاصل آمده از این پژوهش و ژرف‌نگری در این قصیده نشان می‌دهد که دمستانی به عنوان یک شاعر شیعی، تاکنون ناشناخته مانده و این در حالی است که در میان شاعران شعر عاشورا در مرتبه والایی قرار گرفته و توجه او به فضائل اهل بیت (ع)

*- تاریخ دریافت: ۹۱/۱۲/۰۱ تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۳/۱۳

** دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه شیراز.

*** کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی.

به خصوص امام حسین(ع) در قصیده «ملحمة الطف» از اهمیت والایی برخوردار است. در همین راستا، درون‌مایه‌های ارزشی این قصیده که مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته عبارتند از: رثاء، مودت اهل بیت، شجاعت و سفارش به صبر.

کلید واژه‌ها: دمستانی، قصیده‌ی «ملحمة الطف»، شعر عاشورا، امام حسین(ع).

۱- مقدمه

امام حسین(ع)، یکی از شخصیت‌های بزرگی است که دنیا از جهات علمی، معنوی، ادبی و اخلاقی به خود دیده است. هر چند بُعد علمی و معنوی آن امام، تحت‌الشعاع حماسه عاشورا قرار گرفته، اما بزرگ‌ترین و والاترین درس‌ها و عبرت‌ها را برای بشریت به ودیعت نهاده است.

در مورد امام حسین(ع) و واقعه‌ی عاشورا، شاعران فارسی و عربی بسیاری طبع آزمائی کرده و اشعار فراوانی به رشته‌ی نظم درآورده‌اند. دمستانی نیز در ردیف شعرایی است که در این خصوص ید طولایی دارد و قصاید متعددی سروده است اما مشهورترین قصیده‌ی وی، قصیده‌ی «ملحمة الطف» یا «المربعة» است که در این مقاله به بررسی آن پرداخته می‌شود و در خلال مباحث به سوالات زیر پاسخ داده خواهد شد:

۱- دمستانی درباره‌ی واقعه‌ی عاشورا در میان شاعران مرثیه‌سرا در چه جایگاهی قرار گرفته است؟

۲- قصیده‌ی «ملحمة الطف» در شعر عاشورا چه جایگاهی دارد؟

۳- قصیده‌ی «ملحمة الطف» دارای چه اغراض و درون‌مایه‌های ارزشی است؟

هرچند که پیرامون زندگی امام حسین(ع) کتاب‌ها و مقالات متعددی به رشته‌ی تحریر درآمده است ولی تاکنون کسی به بررسی این موضوع در دیوان دمستانی نپرداخته است و از آنجا که دمستانی با وجود داشتن اشعار فراوان در عرصه‌ی شعر





عاشورایی، در میان شاعران ناشناخته مانده است، لذا جا دارد تا با دقت و بررسی در اشعار این شاعر بحرینی به اهمیت این موضوع و جایگاه ویژه‌ی وی در شعر عاشورا پرداخته شود. با عنایت به اینکه تاکنون درباره دمستانی تحقیقی ارائه نشده است لذا دیوان خود شاعر منبع اصلی تحقیق به شمار می‌رود.

اهدافی که در این تحقیق مد نظر بوده عبارت است از: ۱- بررسی زندگی‌نامه و اشعار دمستانی و معرفی وی به عنوان یک شاعر شیعی ناشناخته ۲- توجه به زندگی ائمه‌ی اطهار، مخصوصاً امام حسین (ع) در شعر دمستانی ۳- معرفی قصیده‌ی «ملحمة الطف» به عنوان مشهورترین اثر دمستانی و جایگاه ویژه‌ی آن در شعر عاشورا ۴- نمایاندن و نشان دادن برخی از اغراض و درون‌مایه‌های موجود در قصیده‌ی "ملحمة الطف".

روش تحقیق در این مقاله کتابخانه‌ای و بر پایه‌ی تحلیل و توصیف و استنتاج است لذا پس از مطالعه و گردآوری اطلاعات از طریق فیش‌برداری به دسته‌بندی و تحلیل و تفسیر اطلاعات به دست آمده اقدام شد.

۲- زندگینامه‌ی دمستانی

حسن بن محمد دمستانی، در روستای عالی حویص یکی از روستاهای بحرین به دنیا آمد. اما جایی که در آن زندگی می‌کرد قریه‌ی دمستان بود (با دال مکسوره و میم مفتوحه) روستایی کوچک از روستاهای بحرین که اکثر ساکنانش از فقرا بوده، کشاورزی و زراعت داشتند و با سطل زمین را آبیاری می‌کردند. (دمستانی، ۱۷:۲۰۰۵)

در ذکر آباء و اجداد وی، اختلاف است؛ انوار البدرین وی را حسن بن محمد بن خلف بن ضیف معرفی کرده (عبدالله بن احمد، ۲۱۷)؛ در اعیان الشیعه، حسن بن محمد بن علی بن خلف بن ابراهیم بن ضیف الله بن حسن بن صدقه (العاملی، ۱۳۶۵:۱۶۶) و در

«الکواکب المنتشرة في القرن الثاني بعد العشرة»، حسن بن محمد (الطهرانی، ۱۳۷۲: ۵۳) در «تتميم الأمل»، شیخ محمد حسن. و فرزندش شیخ احمد، نسب او را به حسن بن محمد بن علی بن خلف بن ابراهیم بن ضیف اللهمی رساند. در هیچ‌یک از مراجع، از سال تولد و مدت عمر وی سخن به میان نیامده است. (دمستانی، ۲۰۰۵: ۱۸)

درباره‌ی نوع معیشت و زندگی وی گفته شده که او در روستای دمستان تعدادی درخت نخل و قطعه زمینی داشت که در آن کشت و زرع می‌کرد و از دسترنج خویش روزگار می‌گذراند. علامه شیخ احمد فرزند مرحوم شیخ صالح (قدس الله سره) نقل می‌کند که: در زمان وی سوالاتی از طرف علمای اصفهان به بحرین فرستاده شد. حاکم بحرین، افرادی را از جمله فاضل مذکور نزد علما فرستاد تا سوالات را پاسخ گویند، فرستادگان چون به روستای دمستان رسیدند از فردی سراغ شیخ دمستانی را گرفتند، وی آنها را نزد مردی برد که جامه‌های کهنه بر تن داشت و با دلو مشغول آبیاری زمین بود و به آنها گفت این همان شیخی است که می‌خواهید. فرستادگان گمان کردند که آن شخص قصد مسخره کردنشان را دارد، پس به وی آزار و اذیت رسانده و او را زدند، شیخ که در آنجا بود و ماجرا را شنیده، نزد آنها آمد و پرسید چه می‌خواهید؟ گفتند در جستجوی شیخ مجتهد شیخ حسن هستیم که در این روستا زندگی می‌کند. حاکم، ما را به سوی او فرستاده تا سوالات علمای اصفهان را پاسخ دهد. پس گفت من همان کسی هستم که شما دنبال آن هستید. پس به او سلام کرده و دستش را بوسیدند و در زمینش نشستند و سوال‌هایشان را مطرح کردند. شیخ چون در سوال‌ها نگریست به دخترش گفت که دوات و قلم بیاورد آن گاه سوال‌ها را در حضورشان جواب داد و آنها از علم و دانش فراوان وی بسیار شگفت زده شدند. (همان، ۱۹)



از این داستان درمی‌یابیم که دمستانی انسان زاهدی است که در زندگی هرگز در پی مال‌اندوزی نبوده و به دیگران تکیه نمی‌کند بلکه با عرق جبین و از دسترنج خویش زندگی را می‌گذراند. او انسانی آزاده و دانشمندی است که باور دارد، علم و دانش در گرسنگی، رفاه و آسایش در سختی و عزت و بزرگی در بی‌نیازی از دیگران است.

وی عالمی ربانی، فاضلی صمدانی و شاعری است زبان‌آور و بلیغ که چون شعر بسراید، شگفتی آفریند و چون نثر بگوید صاحبان خرد را جادو می‌کند و در این زمانه کمتر کسی مانند او در علم، تقوی، بلاغت و اخلاص در محبت ائمه‌ی اطهار یافت می‌شود و هر کس در تصنیفات و اشعار وی تأمل کند، حقیقت ارزش و علو مجد و بزرگی وی را خواهد شناخت. (همان، ۲۵)

در مورد وفات وی دو روایت وجود دارد: شیخ بلادی می‌گوید: «قدس الله سره در شهر قطیف در روز چهارشنبه بیست و سوم ماه ربیع سال ۱۲۸۱هـ وفات یافت و در مقبره‌ی معروف الحباکه دفن شد». شیخ آغابزرگ نیز می‌گوید: «سید محمد صادق بحرالعلوم، در "الشدور الذهبیه" ذکر کرده که شیخ حسن دمستانی در سال ۱۱۸۱هـ وفات یافت و در مقبره‌ی الحباکه در شهر قطیف به خاک سپرده شد». بین تاریخی که بلادی ذکر کرده و آنچه آغابزرگ گفته، یک قرن اختلاف است؛ اما با توجه به شواهد زیر و بنا به بررسی‌هایی که شیخ عبدالهادی الفضلی داشته تاریخ صحیح وفات دمستانی ۱۱۸۱هـ بوده است:

۱- شیخ احمد فرزند دمستانی، دیوان وی را در اواخر ذی‌الحجه‌ی سال ۱۱۹۰ جمع‌آوری کرده و در آن دیوان برای پدرش با ذکر عنوان (قدس سره) دعا کرده است و این نشان دهنده‌ی وفات دمستانی قبل از تاریخ مذکور (۱۱۹۰) بوده است.



۲- تاریخ تألیف کتاب انتخاب‌الجید توسط دمستانی، هشتم جمادی‌الاول سال ۱۱۷۳ هـ بوده است و بعید به نظر می‌رسد که وی ۱۰۸ سال بعد از تاریخ مذکور عمر کرده باشد.

۳- از آنچه دمستانی درباره‌ی شیخ عبدالله بن شیخ علی بلادی بحرانی متوفی به سال ۱۱۴۸ در شیراز روایت می‌کند، بعید به نظر می‌رسد که تاریخ وفات خود وی ۱۳۳ سال بعد از شیخ عبدالله باشد.

۴- شیخ قزوینی تاریخ تألیف کتابش تتمیم‌الأمل را سال ۱۱۹۱ ذکر نموده است که در آن از دمستانی یاد کرده و وی را مورد رحمت الهی قرار داده و این گویای این است که تاریخ فوت دمستانی قبل از ۱۱۹۱ می‌باشد.

۵- تاریخ تألیف کتاب منتخب علی بن ابراهیم البوری ۲۶ ربیع‌الثانی سال ۱۲۰۰ بوده است که در آن کتاب به وفات دمستانی قبل از این تاریخ اشاره کرده است. (همان، ۲۴ و ۲۵)

۳- اوضاع بحرین در عصر دمستانی

بحرین، در عصر دمستانی تحت سیطره‌ی حکومت صفویان قرار داشت و مکانی بود برای کشت خرما، بندری بود برای کشتی‌هایی که خلیج عربی را می‌پیمودند، محل استخراج مروارید و شکارگاهی بود که در آن ماهی و حیوانات مفید دریائی را شکار می‌کردند. بحرین، محل تجارت مواد مصرفی و غیرمصرفی مخصوصاً مروارید بود که از مهم‌ترین بازارهایش محسوب می‌شد و مدرسه‌ای بود که فرهنگ اسلامی - عربی و علمی چون فقه، اصول، فلسفه، کلام، منطق، نحو، بلاغت و صرف در آن آموزش داده می‌شد و از نظر فرهنگی و ادبی در وضعیت مناسبی قرارداشت: حرکت علمی-اسلامی و کثرت دانشجویان و علمائی چون آل عصفور، آل ماحوزی، آل



بلادی و آل مقابی از عوامل پیشرفت فرهنگ اسلامی در این دوره است. (دمستانی، ۱۴، ۱۵: ۲۰۰۵)

بحرین، در عصر دمستانی قبل از اشغال انگلیسی‌ها مورد حمله و هجوم شدید خوارج از یک سو و اعراب از سوی دیگر قرار گرفته بود و همین جنگ‌ها و غزوات سبب مهاجرت دانشمندان به عراق، ایران و قطیف بود. دمستانی نیز به علت همین حوادث و درگیری‌هایی که در بحرین حاکم بود به قطیف مهاجرت کرد و چنین به نظر می‌رسد که عامل اصلی مهاجرت وی و اکثر بزرگان بحرین به قطیف، جنگ خوارج و استیلایشان بر بحرین در سال ۱۱۳۱ هـ بوده است. اما بنا بر عقیده شیخ عبدالهادی الفضلی، علت این که دمستانی و دیگران شهر قطیف را برای مهاجرت انتخاب کردند، روابط عقیدتی و مذهبی‌ای بود که میان آنها و اهالی قطیف وجود داشت، چرا که اهالی قطیف شیعه بوده و با بحرینی‌ها در عقیده و مذهب یکسان بودند و از طرفی رفت و آمد میان بحرین و قطیف به واسطه کمی مسافت و فراوانی وسائل نقلیه، آسان بود. (همان، ۲۲)

۴- آثار دمستانی

دمستانی، از نظر علمی، شخصیتی برجسته و ممتاز و دانشمندی است که در حوزه-های علوم عربی مانند لغت، صرف، نحو، بلاغت، علم منطق، اصول دین (عقیده)، فقه، رجال و حدیث صاحب نظر است.

تألیفات وی عبارت است از:

- ۱- انتخاب الجید من تنبیهات السید در علم رجال که منتخبی است از کتاب تنبیه الأریب فی ایضاح رجال التهذیب تألیف سید هاشم التوبلی البحرانی متوفی به سال ۱۱۰۷ هـ
- ۲- تحفة الباحثین فی اصول الدین ارجوزه‌ای است



که آن را برای فرزندش شیخ احمد سروده است. ۳- منظومة فی نفی الجبرو التفویض در اصول دین ۴- أرجوزة فی إثبات الامامة والوصية در اصول دین. ۵- منظومة فی اصول الدین ۶- أرجوزة فی التوحید در اصول دین که بالغ برصد بیت است ۷- رسالة فی استحباب الجهر بالتسبیح فی الاخیرتین در فقه ۸- رسالة فی التوحید در اصول دین ۹- أورد الأبرار فی مآتم الکرام که در بحرین و کشورهای سواحل خلیج عربی به الأسفار معروف است و درباره‌ی اهل بیت (ع) می‌باشد. (همان، ۳۲)

نثر وی، در سطح بالائی از بلاغت و اسلوب ادبی قرار دارد و اوج این بلاغت در کتاب «أورد الأبرار فی مآتم الکرام» متجلی است که در آن کتاب، دمستانی محبت خود را به اهل بیت و اندوه خویش را بر مصائب ایشان ابراز می‌دارد و این دو از موضوعاتی است که بر زندگی شیعه تأثیر گذاشته و ایشان بر محور آن زندگی می‌کنند. (مقدس و محبوب بودن اهل بیت و گریستن بر مصائب ایشان) (همان، ۳۶)

اما در زمینه شعر باید گفت که تمامی اشعار دمستانی درباره‌ی اهل بیت علیهم السلام و مخصوصاً امام حسین (ع) است و در این خصوص می‌توانیم وی را در زمره‌ی شعرای طف به شمار آوریم. دمستانی درباره‌ی امام حسین و واقعه‌ی کربلا، قصائد متعددی سروده اما مشهورترین اثر منظوم وی در این زمینه قصیده‌ی «ملحمة الطف» یا «المربعه» است که به بررسی آن خواهیم پرداخت.

۵- قصیده‌ی «ملحمة الطف»

قصیده‌ی «ملحمة الطف»، زیباترین و مشهورترین اثر دمستانی است که در آن شاعر با زبان حال خویش واقعه‌ی عاشورا و صحنه‌ی کربلا را به تصویر می‌کشد. قالب شعری این قصیده، مسمط و ۱۴۲ بیت و ۷۱ مقطع دارد که هر مقطع آن از چهار



مصراع تشکیل شده و به این صورت است که در هر مقطع، سه مصرع اول با قافیه‌ای مشخص و قافیه‌ی مصرع چهارم بر وزن قافیه‌ی قصیده آمده است و علت نام‌گذاری آن به قصیده‌ی المربعه نیز به همین دلیل است.

دمستانی، اولین کسی است که این نوع قالب شعری را به نظم درآورده است و پس از وی شاعرانی به این سبک شعر سروده‌اند؛ از جمله شیخ حسن بلادی در قصیده‌ای با این مطلع:

أَحْرَمَ الْحِجَاجُ أَيَّاماً بَبَعْضِ الْأَشْهُرِ وَأَنَا الْمَحْرَمُ لَوْ عَمَرْتُ كُلَّ الْأَدْهْرِ
 حَيْثُ إِنَّ الْوَقْتَ عَاشُورَا بِكُلِّ الْأَعْصِرِ وَ كَذَا كُلِّ مَكَانٍ كَرِبَلَاءَ ذَبِحِ الْحَسِينِ

(دمستانی، ۲۰۰۵: ۴۲)

و شیخ سلیمان بحرانی:

حَجَّهُ اللهُ إِمَامَ الثَّقَلَيْنِ جَرَدَ السِّيفِ لثَارَاتِ الْحَسِينِ
 رِزْءُ آبَائِكَ أَدَمَى الْمُقْلَتَيْنِ وَأَسَالَ الْعَيْنِ فَوْقَ الْوَجْتَيْنِ

(همان)

قصیده‌ی «ملحمة الطف» که بازگو کننده‌ی شهادت امام حسین (ع)، توصیف کربلا و سپاه یزید، وصف‌الحال خاندان امام حسین، بیان‌کننده‌ی وصیت امام حسین به خواهرش زینب(س) و توصیف کننده‌ی دلاوری‌های امام حسین است، اولین شعر حماسی است که در مورد واقعه‌ی کربلا و با این اسلوب خاص سروده شده است. آنچه که در این خصوص، دمستانی را از شعرای دیگر متمایز می‌سازد در وهله‌ی اول ترتیب منطقی‌ای است که در این قصیده به چشم می‌خورد؛ بدین معنی که شاعر، نخست، خود را صاحب این مصیبت دانسته و ضمن سوگواری و عزاداری بر امام حسین(ع) با فراهم کردن زمینه‌ی مناسب، خواننده را به تدریج وارد فضای عاشورایی می‌کند و سپس به تفصیل، پیرامون جزئیات



این واقعه‌ی عظیم به سخن‌سرائی می‌پردازد. از دیگر امتیازات این قصیده، موسیقی و آهنگ خاصی است که در میان ابیات جاری است. انتخاب قالب مسمط برای این قصیده و ختم هر مقطع به قافیه‌های مختوم به (ین) سنگینی و صلابت و ویژگی خاصی به قصیده بخشیده است. به عنوان نمونه قافیه‌های حسین، حرمین، منکبین، عسکرین، و جنتین...، تداعی‌گر همان شور حسینی در فضای روح‌بخش عرفانی برای مخاطب است و مهمتر از همه‌ی این موارد، آنچه که در این قصیده ذهن خواننده را به خود معطوف می‌سازد، روانی و سهولتی است که با وجود برخوردار بودن قصیده از موضوعی غم‌انگیز، در میان کلمات و الفاظ وجود دارد. شعر دمستانی، اشکی است که از دیدگانش چکیده و آهی است که از سینه‌اش برآمده و ناله‌ای است که در آن احساسی رقیق توأم با خشم و خروش با هم درآمیخته است و این از ویژگی‌های منحصر به فرد اوست.



۶- محتوای کلی قصیده‌ی «ملحمة الطف»

قصیده‌ی «ملحمة الطف»، سراسر حزن و اندوه و اشک و آه و نمونه‌ای است کامل از جریان کربلا و واقعه‌ی عاشورا. کسی که به بررسی دقیق و عمیق این قصیده بپردازد، این حماسه و شور حسینی را بعینه خواهد دید و بی‌شک از آن متأثر خواهد شد. این قصیده شامل سه قسمت است: ۱- مقدمه ۲- بخش نخست ۳- بخش پایانی.

۱- مقدمه‌ی قصیده: شاعر در مقدمه‌ی این قصیده، تأسف و اندوه خود را بر مصیبت حسین (ع) اظهار کرده و محبت و ولای اهل بیت را وظیفه‌ی خود می‌داند. او معتقد است که همدردی نکردن با ایشان بزرگ‌ترین گناه نزد

پروردگار است. به همین دلیل جامه‌ی اندوه پوشیده و پیوسته خود را سوگوار این مصیبت می‌داند آنجا که می‌گوید:

فَمِنَ الْوَاجِبِ حَقًّا لِبَسِّ سُرْبَالِ الْأَسَىٰ وَاتِّخَاذِ النَّوْحِ وَرَدًّا كُلَّ صَبْحٍ وَمَسَاءٍ
(دمستانی، ۲۰۰۵: ۲۱۸)

قطعاً باید بر این مصیبت عظیم لباس اندوه پوشید و هر صبح و شام ناله سر داد. دمستانی محیط پیرامون خود را به سبب این فاجعه‌ی عظیم بسته و محدود می‌بیند و بر این باور است که در مقابل این مصیبت، صبر و تحمل را مجال نیست. زندگی لذت‌هایش سپری شده و پیری زود هنگام رسیده است:

جَدُّ صَفْوُ الْعَيْشِ مِنْ بَعْدِكَ بِالْأَكْدَارِ شَيْبٌ وَأَشَابَ الْهَمُّ رَأْسِي قَبْلَ إِبَانِ الْمَشَيْبِ
(همان)

زندگی، پس از تو به خاطر مصیبت‌ها تیره و تار شده است. غم و اندوه مرا پیر کرد و قبل از رسیدن به پیری، موی سرم را سفید گردانید.

در حقیقت مقدمه‌ی قصیده، وصف‌الحال و سوگواری خود شاعر در رثای امام حسین (ع) است.

۲- بخش نخست قصیده: در این بخش شاعر به بررسی پیرامون زندگی امام حسین و مصیبت‌های وارده بر وی، خاندانش و توصیف کربلا در سطحی وسیع می‌پردازد. او این مصائب را شایسته امام می‌داند و معتقد است که مصیبت‌ها، او را جلا داده و بستری است برای آزمون و ابتلای وی. حسین (ع) یکی از دو ریحانه‌ی رسول خدا بود «إِنَّ ابْنِي هَذَا رِيحَانَتَايَ مِنَ الدُّنْيَا» (ابن عساکر، ۵۹) شاعر نیز در بیت زیر امام حسین (ع) را مخاطب قرار داده و از او با عنوان «ریحانه» یاد کرده است و قائل به این نکته است که حقیقت دنیا برای این وضع شده که انسان‌های شریف را امتحان کند:



أنت يا ريحانة القلب حقيقاً بالبلاء إنما الدنيا أعدت لبلاء النبلا

ای ریحانه قلب پیامبر، تو حقاً شایسته بلا هستی و همانا دنیا برای امتحان کردن انسان‌های شریف بوجود آمده است.

و در بیت بعد به این حدیث پیامبر اشاره می‌کند که می‌فرمایند: "ان ابني هذا- یعنی الحسين- يقتل بأرض يقال لها كربلاء فمن شهد ذلك منكم فليَنصره؛ همانا این پسر من یعنی حسین در زمینی به نام کربلا کشته می‌شود پس هر کس از شما در آنجا حاضر بود باید او را یاری کند" (شفیعی شاهرودی، ۱۳۸۹: ۵)

آنجا که می‌گوید:

سَتَذوقُ الموتَ ظلماً ظامياً في كربلا و سَتَبقي في ثراها عافراً مُجدلاً

(دمستانی، ۲۰۰۵: ۲۱۸)

تو مرگ را در حالی که تشنه هستی، ظالمانه در کربلا خواهی چشید و در خاکش خواهی غلطید.

شاعر سپس به توصیف شکنجه‌ها و عذاب‌هایی که بر خاندان امام حسین وارد شده می‌پردازد و این که زمین و آسمان نیز به واسطه این شکنجه‌ها داغدارند تا جائی که مشرق و مغرب را نمی‌توان از یکدیگر تشخیص داد:

حين نَبأ آلَ العَرَبِ بما قالَ النبي أَظلمَ الافقُ عليهم بقتامِ الكُرب
فكأن لم يَسْتَبينوا مشرقاً من مغربِ غَشيتُهُم ظلماتُ الحزنِ من أجلِ الحسين

(همان، ۲۱۹)

آن گاه که امام حسین خاندانش را از آنچه پیامبر گفته بود باخبر کرد، آسمان به واسطه غبار غم و اندوه، بر آنها سیاه گشت. تا جائی که مشرق و مغرب از یکدیگر قابل تشخیص نبود و تاریکی غم حسین آنها را فرا گرفته بود.



پس از آن، سرزمین کربلا و سپاهیان یزید را وصف کرده؛ کربلایی که چنین ظالمانه جسد حسین (ع) را در آغوش می‌گیرد:

قِيلَ هَذِي كَرْبَلَا قَالَ كَرْبٌ وَ بَلَا خِيَّمُوا إِنَّ بَهْدِي الْأَرْضِ مَلَقَى الْعَسْكَرِينَ
(همان)

گفته شد این سرزمین کربلاست. گفت: مکان غم و بلاست همین جا خیمه بزنید چرا که در این سرزمین است که دو لشکر یکدیگر را ملاقات می‌کنند.

۳- بخش پایانی قصیده: در این بخش شاعر وصیت‌های امام حسین (ع) به خواهرش زینب (س) را متذکر می‌شود و به دنبال آن دلاوری‌ها و رشادت‌های امام حسین (ع) در صحنه جنگ را به تصویر کشیده و با شاهد گرفتن اسب امام حسین، بسیار هنرمندانه نحوه‌ی شهادت وی را بازگو می‌کند و پس از آن به ذکر فضائل و مناقب امام (ع) پرداخته و این گونه تأسف خود را از این مصیبت عظیم بیان می‌دارد:



فصلنامه پژوهشی ادبیات شیعه

۱۳

جایگاه دمستانی و
قصیده‌ی "ملحمة الطف"
در شعر عاشورا

حَطَمَ الْحَزْنَ فَوَادِي لِحَطِيمٍ فِي الصَّفَا وَ لَهَيْفَ الْقَلْبِ صَادٍ وَ ذَبِيحٍ مِّنْ قَفَا
(همان، ۲۲۴)

غم و اندوه دلم را شکست برای آن شکسته حال در صفا و دل سوخته تشنه و کشته شده از پشت سر.

و در پایان به مراثی آن حضرت از زبان حضرت زینب پرداخته و بر حسین ندبه می‌کند:

وَ ذَبِيحاً مِّنْ قَفَاهُ بِالْحُسَامِ الْبَاتِرِ وَ طَرِيحاً بَعْرَاهُ مَا لَهُ مِّنْ سَاتِرِ
(همان)

برکسی می‌گیریم که با شمشیر بران از پشت کشته شد و عریان به کناری رها گشت.

۷- اغراض و درون‌مایه‌های قصیده‌ی «ملحمة‌الطف»

قصیده‌ی «ملحمة‌الطف»- که مشهورترین اثر دمستانی است و اولین شعری است که درباره‌ی واقعه‌ی کربلا با اسلوبی خاص در قالب مسمط سروده شده- قصیده‌ای است که هم از حیث مضمون و محتوا و هم از حیث وزن و موسیقی دارای اهمیت و جایگاه ویژه‌ای است.

فضای معنوی خاصی که بر این قصیده حاکم است تداعی‌گر صحنه‌ی کربلا و واقعه‌ی عاشورا برای خواننده می‌باشد و به جرأت می‌توان گفت که این معنویت در تمامی ابیات حس می‌شود و نمی‌توان بیت یا ابیات خاصی را مشخص کرد و به آن جنبه ارزشی داد بلکه سرتاسر قصیده، ارزشمند و دارای مفاهیم والای اخلاقی است. وقتی از قصیده‌ی «ملحمة‌الطف» سخن گفته می‌شود ابتدا به نظر می‌رسد که غرض از آن، مرثیه است؛ یعنی شاعر تنها به مرثیه‌سرایی پرداخته است ولی با ژرف‌نگری درمی‌یابیم که شاعر در قصائد عاشورایی به طور عموم و در این قصیده به طور ویژه به ایفای رسالت خویش به عنوان شاعری متعهد می‌پردازد و به مخاطب درس‌های ارزنده می‌دهد. درونمایه‌های ارزشی‌ای که در این قصیده وجود دارد عبارت است از:

۷-۱ رثاء

مصیبت فقدان حسین(ع)، این نوربزرگ و این خون خدا، بزرگ‌تر از آن است که ما می‌فهمیم. جایی که از دل سنگ، خون تازه می‌چکد و تمام هستی مصیبت می‌گیرد، چه می‌توان گفت جز همان که گفته‌اند: " لَقَدْ عَظَمْتَ الرَّزِيَّةَ وَ جَلَّتْ وَ عَظَمْتَ الْمُصِيبَةَ "

مرثیه بر امام حسین(ع) و یارانش دارای فضائل و حسنات فراوانی است. امام باقر(ع) می‌فرماید: " ما من رجلٍ ذَكَرنا أَوْ ذَكَرنا عنده يَخْرُجُ مِنْ عَيْنِهِ ماءٌ وَ لَوْ مِثْلَ "



جُنَاحِ الْبَعُوضَةِ إِلَّا بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فَيَالجَنَّةَ وَ جَعَلَ ذَلِكَ الدَّمْعَ حِجَابًا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّارِ"

هیچ کسی نیست که به یاد ما افتد یا نزد او ذکری از ما شود و آبی هرچند به اندازه بال مگسی از دو چشمش خارج شود جز آن که خدا، خانه‌ای در بهشت برایش بنا می‌کند و آن اشک را حجاب بین او و آتش قرار می‌دهد (شفیعی شاهرودی، ۱۳۸۹: ۱۲۶)

دمستانی نیز از این فضیلت بزرگ بی‌بهره نمانده و به کرات در این قصیده به مراثی پیرامون امام حسین (ع) پرداخته است. حسینی که چراغ هستی بوده چگونه می‌توان بر او نگریست:

كَيْفَ لَا نَبْكِي بِشَجْوِ لَابِنِ بِنْتِ الْمُصْطَفَى إِنَّهُ كَانَ سِرَاجًا لِلْبَرَايَا وَانطَفَى

(دمستانی، ۲۰۰۵: ۲۲۴)

چگونه ممکن است درغم فرزند دختر رسول الله گریه نکنیم، کسی که چراغ هستی بود و خاموش شد.

و در جای دیگر می‌گوید:

شَمْسٌ أَفَقَ الدِّينِ أَضْحَتْ فِي كَسُوفِ السَّيُوفِ
وَ تَوَارَتْ عَنِ عُيُونِ النَّاسِ فِي أَرْضِ الطُّفُوفِ

(همان، ۲۲۳)

خورشید درخشان دین به وسیله شمشیرها پنهان گشت و در سرزمین کربلا از دیده‌ها مخفی شد.

حضرت زینب(س) در کنار بدن مقدس امام حسین(ع) رو به سوی مدینه نمود و این گونه ندبه سرداد: "وَ مُحَمَّدَاهُ! بِنَاتِكَ سَيَايَا وَ ذُرِّيَّتِكَ مُقْتَلَهُ تَسْفَى عَلَيْهِم رِيحُ الصَّبَا وَ هَذَا حَسِينٌ مُجْزَوْرُ الرَّأْسِ مِنَ الْقَفَا، مَسْلُوبُ الْعِمَامَةِ وَ الرَّدَاءِ....."

(فاضلی، ۱۳۸۶: ۸۴) ای پیامبر! اینان دختران شمایند که به اسیری می‌روند. اینان فرزندان شمایند که با بدن‌های خونین روی زمین افتاده‌اند و باد صبا بر پیکر آنان



می‌وزد! ای رسول خدا! این حسین است که سرش را از قفا بریده‌اند، عبا و ردایش را به غارت برده و پیکرش را پاره پاره کرده‌اند:

وَ ذَبِيحاً مِنْ قَفَاهِ بِالْحُسَامِ الْبَاتِرِ وَ طَرِيحاً بَعْرَاهُ مَا لَهُ مِنْ سَاتِرِ

بر کسی می‌گیریم که با شمشیر بران از پشت کشته شد و کسی که عریان به کناری رها گشت.

وَ كَسِيراً أَضْلَعَاهُ بِصَلِيبِ الْحَافِرِ وَ رَضِيضاً قَدَمَاهُ وَالْقَوَى وَالْمَنْكِبِينَ

(دمستانی، ۲۰۰۵: ۲۲۴)

بر کسی می‌گیریم که استخوان‌ها، پاها و کتف‌هایش به وسیله سم سخت اسب‌ها شکسته شد.

وَ خَضِيْبَاهُ جَمَالِي وَ جَمَالُ الْمَنْبِرِ وَ قَتِيلَاهُ وَلَكِنْ ذَنْبُهُ لَمْ يُخْبِرِ

ندبه می‌کنم بر کسی که زیبایی من و زیبایی منبر از خون او رنگین شده و ندبه می‌کنم بر کسی که بی‌گناه کشته شد.

وَ طَرِيحَاهُ ثَلَاثاً بِالْعُرَى لَمْ يُقْبِرِ وَ شَهِيدَاهُ وَمَنْ لِلْمُصْطَفَى قَرَّةٌ عَيْنِ

(همان)

ندبه می‌کنم بر کسی که سه روز بدون قبر رها شده بود و بر شهیدی که نور چشم رسول الله

بود.

۲-۷ مودت اهل بیت

دمستانی، محبت اهل بیت را وظیفه‌ی خود می‌داند و معتقد است که بر نوشنده‌ی آب زمزم، حب خاندان رسول‌الله فرض و واجب است و به حق فرزندان رسول‌الله شایسته مکان و جایگاهی ویژه و معین هستند. آنجا که می‌گوید:

حَقٌّ لِلشَّارِبِ مِنْ زَمْزَمَ حُبُّ الْمُصْطَفَى أَنْ يَرَى حَقَّ بَنِيهِ حَرَمًا مُعْتَكِفًا



بر نوشنده‌ی آب زمزم، دوستی با خاندان رسول‌الله واجب است و باید فرزندان ایشان را در حرم و جایگاهی ویژه و معین ببیند.

(همان، ۲۱۸)

و در جای دیگر می‌گوید:

فَمِنْ الْوَاجِبِ حَقًّا لِبَسِّ سِرْبَالِ الْأَسَىٰ وَ اتِّخَاذِ النَّوْحِ وَرِدًّا كُلِّ صَبْحٍ وَمَسَاءٍ

(همان)

در خلال محبت اهل بیت قطعاً باید بر این مصیبت عظیم جامه غم و اندوه پوشید و هر صبح و شام ناله سر داد.

درباره‌ی مودت و دوستی اهل بیت، آیات و روایات متعددی وجود دارد از جمله در آیه ۲۳ سوره شوری می‌فرماید: " قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حَسَنًا " بگو من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم (اهل بیتم) و هرکس کار نیکی انجام دهد بر نیکیش می‌افزایم.



فصلنامه پژوهشی ادبیات شیعه

۱۷

جایگاه دستتانی و
قصیده‌ی "ملحمة الطف"
در شعر عاشورا

احمد در کتاب «مناقب» و ابن منذر و ابن ابی حاتم و طبرانی و ابن مردویه و واحدی و ثعلبی و ابونعیم در تفسیر خود با سندهای خود از ابن عباس نقل کرده‌اند: وقتی این آیه نازل شد از رسول خدا سوال شد: ای رسول خدا! خویشان تو که مودت و محبت آنها بر ما واجب است چه کسانی هستند؟ فرمود: "عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ ابْنَاهُمَا" علی و فاطمه و دو فرزندشان. (شفیعی شاهرودی، ۱۳۸۹: ۶)

در روایتی از پیامبر نقل شده است که فرموده‌اند: " شَفَاعَتِي لِأُمَّتِي مِنْ أَحَبِّ أَهْلِ بَيْتِي وَ هُمْ شِيعَتِي " شفاعت من ویژه آن گروه از امت من است که اهل بیت مرا دوست می‌دارند و آناند شیعیان من. (خطیب البغدادی، ۲۰۰۱: ۱۴۶)

لَا حِظُّوهُ فَعَلَيْهِ سَبُّهُ الْهَادِي الشَّفِيعِ لَا يَكُنْ شَافِعُكُمْ خَصْمًا لَكُمْ فِي النَّشَاتَيْنِ

(دمستانی، ۲۰۰۵: ۲۲۱)

به این کودک (علی اصغر) بنگرید آثار پیامبر شفاعت‌کننده و هدایت‌گر را داراست (کاری نکنید که) شفیع‌کننده در دنیا و آخرت دشمن شما باشد. و شاعر در بیت زیر به این حدیث پیامبر اشاره می‌کند و می‌فرماید: "مَنْ أَحَبَّهُمَا فَقَدْ أَحَبَّنِي وَ مَنْ أَبْغَضَهُمَا فَقَدْ أَبْغَضَنِي" هر که اهل بیت مرا (حسن و حسین) دوست بدارد همانا مرا دوست داشته است و هر که با آن دو دشمنی کند با من دشمنی کرده است. (الهیتمی، ۲۰۰۱: ۲۸۶)

و يُؤاسِيهِمْ وَإِلَّا حَادَّ عَنْ بَابِ الصِّفَا وَهُوَ مِنْ أَكْبَرِ حُوبٍ عِنْدَ رَبِّ الْحَرَمَيْنِ

(دمستانی، ۲۰۰۵: ۲۱۸)

و باید با اهل بیت دوستی کند چرا که در غیر این صورت از مسیر حق خارج گشته و نزد پروردگار بزرگ‌ترین گناه را مرتکب شده است.

۷-۳ شجاعت

زندگی، صحنه‌ی پیکارها و میدان مبارزه‌هاست. با این مبارزه‌هاست که انسان بارور می‌شود و شکل می‌گیرد و استعدادهایش را بیرون می‌ریزد و با این پیکارهاست که انسان آزادیش را می‌یابد و راهش را می‌شناسد و خودش در راه خودش و برای مقصد خودش گام برمی‌دارد. آن پیکار و مبارزه‌ای به ارزش می‌رسد که با هدفی بزرگ شروع شود و با انگیزه‌ای پاک همراه گردد و در بهترین شکل‌ها رهبری ببیند. حسین آمد تا با شجاعتش کشته شود. حسین آمد تا با خون خود، نهال دین را آبیاری نماید و طعم شیرین مرگ را همچون طعم عسل بجشد و بهشت را دیدار کند:

فَيَذُوقُونَ الْمَنَايَا كَمَذَاقِ الْعَسَلِ شَاهِدُوا الْجَنَّةَ كَشَفَا وَ رَأَوْهَا رَأَى عَيْنِ

(دمستانی، ۲۰۰۵: ۲۲۰)



طعم مرگ را چون طعم شیرین عسل می‌چشند و بهشت را بعینه دیدار می‌کنند.
و در جای دیگر شاعر این گونه بیان می‌دارد که حسین (ع) جنگ را عروسی
می‌پندارد که بدون تغییر در مقابل آن، سرش را نثار می‌کند:

يَحْسَبُ الْحَرْبَ عَرُوساً وَلَهَا الرَّأْسَ نِثَارَ ذَكَرَ الْقَوْمَ بَدْرٍ وَبِأَحَدٍ وَحُنَيْنِ

(همان، ۲۲۱)

جنگ را چون عروسی می‌داند که سر را فدای آن می‌کند و برای قومش یادآور بدر و احد و
حنین است.

او قهرمانی است ممتاز در میان دیگر قهرمانان و شیری است که در میدان نبرد،
شیران دیگر را از پای درمی‌آورد:

بَطْلٌ فَرَدُّ مِنَ الْأَبْطَالِ طَالُ أَسَدٌ يَفْتَرِسُ الْأَسَدَ عَلَى الْأَجَالِ جَالِ

(همان)

و در توصیف شجاعت حسین (ع) همین بس که هیچ احدی به پای شجاعت وی نمی‌رسد مگر
مولا علی (ع).

مَا لَهُ فِي حَوْمَةِ الْهَيْجَاءِ فِي الْكُرِّ شَبِيهَ غَيْرِ مَوْلَانَا عَلِيٍّ وَالْفَتَى سَرَّابِيهَ

(همان)

در بحبوحه جنگ در حمله بردن هیچ کس همانند آن حضرت نبود مگر مولا یمان علی (ع) و
(در حقیقت) جوانمرد عصاره و درونمایه و راز پدرش است.

۴-۷ سفارش به شکیبائی

از دیگر مضامین ارزشمند در این قصیده، توصیه‌ی آن حضرت به خواهرش
زینب (س) است که پس از وی، بی‌تابی را رها کرده، یتیمان را سامان دهد و بر این
مصیبت عظیم صبور باشد آنجا که می‌گوید:

أَخْتُ يَا زَيْنَبُ أَوْصِيكِ وَصَايَا فَاسْمَعِي إِنَّنِي فِي هَذِهِ الْأَرْضِ مُلَاقٍ مَصْرَعِي



خواهرم زینب تو را به سخنانی سفارش می‌کنم. پس به من گوش کن همانا من در این سرزمین مرگم را خواهم دید.

فَاصْبِرِي فَالْصَّبْرُ مِنْ شِيمِ كِرَامِ الْمَتْرَعِ كُلِّ حَيٍّ سَيْنَحِيهِ عَنِ الْأَحْيَاءِ حِينَ

پس صبور باش چرا که صبر از خصلت‌های انسان‌های کریم است و مرگ، هر انسانی را از زنده‌ها دور خواهد کرد.

وَاجْمَعِي شَمْلَ الْيَتَامَى بَعْدَ فَقْدِي وَانْظُمِي أَطْعِمِي مَنْ جَاعَ مِنْهُمْ ثُمَّ إِرْوِي مَنْ ظَمَى
(دمستانی، ۲۰۰۵: ۲۲۰)

بعد از من یتیمان را جمع کن و آنها را سامان ببخش. به گرسنگان طعام و به تشنگان آب بنوشان.



فصلنامه پژوهشی ادبیات شیعه

۲۰

جایگاه دمستانی و
قصیده‌ی "ملحمة الطف"
در شعر عاشورا

روایت شده است که در روز عاشورا یاران امام حسین (ع) دیدند که چهره‌ی حضرت با توجه به فشارها و شداید جنگ هر لحظه درخشان‌تر می‌شود، با تعجب به یکدیگر گفتند: نگاه کنید؛ امام (ع) اصلاً ابایی از مرگ ندارد! در این هنگام امام حسین (ع) خطاب به یاران خود فرمود: "إِصْبِرُوا يَا بَنِي الْكِرَامِ، فَمَا الْمَوْتُ إِلَّا قَنْطَرَةٌ تَعْبِرُكُمْ عَنِ الْبُوسِ وَالضَّرَاءِ إِلَى الْجَنَّةِ الْوَاسِعَةِ وَالنَّعِيمِ الدَّائِمَةِ فَإِيَّكُمْ يَكْرَهُ أَنْ يَنْتَقَلَ مِنْ سَجْنِ إِلَى قَصْرِ وَمَا هُوَ لِأَعْدَائِكُمْ إِلَّا كَمَنْ يَنْتَقِلُ مِنْ قَصْرِ إِلَى سَجْنٍ وَعَذَابٍ، إِنَّ أَبِي حَدَّثَنِي عَنْ رَسُولِ اللَّهِ: إِنَّ الدُّنْيَا سَجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ وَالْمَوْتُ جَسْرُهُوَلَاءِ إِلَى جَنَّتِهِمْ وَجَسْرُهُوَلَاءِ إِلَى جَحِيمِهِمْ مَا كَذَبْتُ وَلَا كَذَبْتُ." ای شریف زادگان صابر و بردبار باشید. مرگ چون پلی است که شما را از گرفتاری‌ها و دشواری‌ها عبور می‌دهد و به بهشت جاودان و نعمت‌های دائمی الهی می‌رساند. کدام یک از شما ناخرسند است از این که از زندگی آزاد شده به قصری منتقل شود و در مقابل، همین مرگ برای دشمنان شما معبری است برای رفتن از قصر به سوی زندان و عذاب. همانا پدر من به من خبر داد که پیامبر (ص) فرمود: به درستی که دنیا زندان

مؤمن است و بهشت کافر و مرگ پلّی است برای دشمنان به سوی جهنم و برای مومنان به سوی بهشت. پیامبر(ص) دروغ نگفت، من هم دروغ نمی‌گویم. (بهارى اردشیری، ۱۳۸۵: ۱۹۶)

و در بیت زیر متذکر می‌شود که بهترین نوع صبر، صبر کردن بر مصائب بزرگ است.

فِي جَلِيلِ الْخَطْبِ يَا اخْتِ اصْبِرِي الصَّبْرَ الْجَمِيلِ
انَّ خَيْرَ الصَّبْرِ مَا كَانَ عَلَى الْخَطْبِ الْجَلِيلِ

(دمستانی، ۲۰۰۵: ۲۲۰)

خواهرم! در امورات مهم و در مصیبت‌های سخت، صبری نیک داشته باش و بدان که بهترین نوع صبر، صبر بر مصیبت‌های بزرگ است.

از منظر دین نیز صبر جایگاهی بس والا دارد. قرآن کریم به صبرکنندگان بشارت داده است (بقره: ۱۵۵) مقام صبر نسبت به ایمان همانند سر برای بدن است. حضرت زینب (س)، نمونه‌ی عالی صبر و پایداری است. مقاومت و شکیبائی در راه پاسداری از حریم دین و کرامت انسانیت، از ویژگی‌های بارز این بانوی بزرگ است. صبر و ظفر هر دو دوستان قدیمند بر اثر صبر نوبت ظفر آید

۸- نتیجه‌گیری

با اینکه همه‌ی اشعار دمستانی درباره‌ی اهل بیت علیهم السلام است اما او به عنوان شاعری شیعی بحرینی در میان مردم ناشناخته مانده است و هرچند که تمامی اشعارش در این خصوص در جایگاه والایی از مفاهیم و مضامین قرار دارد اما قصیده‌ی «ملحمة الطف» وی در رثای سرور و سالار شهیدان امام حسین (ع) به عنوان یک اثر ماندگار و جاودانه در میان اشعار عاشورایی منحصر به فرد است.



از امتیازات این قصیده، انسجام و هم‌آهنگی است که در میان ابیات وجود دارد و مهمتر از همه‌ی اینها، آنچه که در این قصیده ذهن خواننده را به خود معطوف می‌سازد، سلاست و سهولتی است که با وجود برخورداری بودن قصیده از موضوعی غم‌انگیز در میان کلمات و الفاظ دیده می‌شود. در این شعر، علاوه بر ارزش‌های محتوایی، ارزش‌های ادبی نیز دیده می‌شود و می‌توان گفت قدرت شاعری دمستانی، در این قصیده نمایان‌گر شده است؛ چرا که در آن احساسی رقیق و بیانی سلیس را با خروش و نحیب درهم آمیخته است.

فهرست منابع

❖ قرآن کریم.

❖ ابن عساکر؛ (۱۹۸۸)، تاریخ مدینه‌ی دمشق، بیروت: دارصادر.

❖ امینی نجفی، شیخ عبدالحسین؛ (۱۴۳۲)، امام حسین (ع)، ترجمه‌ی محمد حسن شفیعی شاهرودی، قم: موسسه میراث نبوت.

❖ بهاری اردشیری، عباسعلی؛ (۱۳۸۵)، أدب الحسین، نوای قلم.

❖ حافظ شیرازی، خواجه شمس‌الدین محمد؛ (۱۳۵۹)، انتشارات اشراقی.

❖ خطیب‌البغدادی، احمدبن علی ابوبکر؛ (۲۰۰۱)، تاریخ بغداد، ج ۲، دارالکتب العلمیة.

❖ دمستانی، حسن بن محمد؛ (۲۰۰۵)، دیوان دمستانی، بیروت: دارالمرتضی.

❖ الطهرانی، آغابزرگ؛ (۱۳۷۲)، طبقات أعلام الشیعه: الكواكب المنتشرة فی القرن الثاني بعد العشرة، تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات وچاپ.



- ❖ العاملی، الأمين؛ (۱۳۶۵)، أعيان الشيعة، ج ۲۳، الطبعة الاولى، دمشق: مطبعة الاتقان.
- ❖ فاضلی، خادم حسین؛ (۱۳۸۶)، حضرت زینب(س) شخصیت و نقش ایشان در نهضت کربلا، فصلنامه معرفت، سال شانزدهم، شماره ۱۱۴.
- ❖ مجلسی، محمد باقر؛ (۱۳۸۵). بحار الأنوار، ج ۴۵، تهران: المكتبة الاسلامية.
- ❖ الهیثمی، علی بن ابی بکر؛ (۲۰۰۱). مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۹، بیروت: دارالمرتضى.



فصلنامه پژوهشی ادبیات شیعه

۲۳

جایگاه دمستانی و
قصیده‌ی "ملحمة الطغف"
در شعر عاشورا



فصلنامه پژوهشی ادبی

جایگاه دمستانی و
قصیده‌ی "ملحمة الطف" در
شعر عاشورا